

مبانی قانونی و اخلاقی جرم انگاری در حقوق کیفری ایران

صابر افراسیابی^۱، دکتر غفور خوئینی^{۲*}، دکتر ابوالحسن مجتهد سلیمانی

۱. گروه حقوق جزا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۱۲)

چکیده

زمینه: قانون کیفری، قواعد محدود کننده حقوق و آزادی های فرد در جهت تضمین همزیستی مسالمت آمیز است. این که چه رفتاری را باید ممنوع اعلام کرد و کدام یک را می توان از دایره اعمال قانونی خارج کرد به نحوه ای می توان ورود اخلاقیات در عالم حقوق نام برد. رعایت اخلاق و ادب از دیر باز نیز بوده است و تحت عنوان ادب و رسوم و به معنای ضوابط اخلاقی است بر این اساس تعداد اعمالی که نظم عمومی را خدشه دار می کند، متنوع بوده و ابزارهایی که برای نظم عمومی به کار گرفته می شوند، در کمیت و کیفیت متفاوت است و طیف وسیعی از راهکارها را شامل می شود نظام های حقوقی مختلف راه کارهای متفاوتی را انتخاب نمودند. نظام جمهور اسلامی ایران با توجه به شرعی بودن بر اخلاقیات تکیه دارد. اما هر گونه جرم انگاری بدون توجه به محدودیت ها و مبانی حقوق کیفری میتواند زمینه ساز چالش های متعددی باشد، اخلاق نیز یکی از اصول نخستین در جرم انگاری ایران است و این مهم در نظام کیفری جمهوری در حدود مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است.

نتیجه گیری: در جمهوری اسلامی ایران مثل همه کشورها جرم انگاری تابع محدودیت هایی است در ایران نیز جرم انگاری تابع محدودیت های مقرر در قانون اساسی می باشد. همچنین براساس اصل چهارم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی باید در حدود اصول و موازین اسلامی اقدام به جرم انگاری نماید. جرم انگاری باید با توجه به اصول شرعی و اخلاقی و قانون اساسی انجام شود.

کلید واژگان: جرم انگاری، قانون اساسی، موازین شرعی، معیارهای اخلاقی

سر آغاز

باید توجه داشت که با توجه به این که در کشور ایران قانون اساسی، در رأس هرم قرار دارد و قوانین دیگر باید از این قانون تبعیت کنند می توان بدون پایبندی به قواعد و اصول قانون اساسی، قوانین کیفری را تدوین و تنظیم کرد؛ چرا که قانون اساسی عالی ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر و همچنین تعریف کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه، و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور و تعیین و تضمین کننده حقوق شهروندان کشور می باشد. تکلیف حکومت به تضمین حقوق و آزادی های فردی و حقوق سیاسی و اجتماعی مردم، زمینه ساز ایجاد امنیت حقوقی و قضائی و موجب تحکیم مودت بین ملت و حکومت می شود که ظهور آن در نظم و امنیت اجتماعی متجلی می گردد (۱). سیاست جنایی تقنینی ایران براساس برداشت های انتزاعی از مفهوم جرم و مجازات، از آغاز انقلاب تاکنون با جرم انگاری های افراطی نه تنها

نظام عدالت کیفری را با بحران تورم کیفری مواجه ساخته، بلکه با تجاوز به حقوق و آزادی های فردی، زمینه نارضایتی و بی اعتمادی جامعه به واضعان سیاست جنایی را نیز مهیا نموده است (۲) همچنین بی توجه ای قانون گذار به اصول و راهکارهای صحیح سبب تراکم و ازدیاد مراجعات به دادسراها و در نهایت تورم کیفری شدیدی شده است. باتوجه به موارد قید شده در این مقاله به بررسی و مبنای جرم انگاری در حقوق ایران پرداخته شد.

در همین راستا مبنای جرم انگاری را بصورت کلی در سایر نظام های کیفری بررسی شد سپس مبنای جرم انگاری در نظام قانون گذاری کیفری ایران مورد بررسی قرار گرفت.

الف: بررسی جرم انگاری^۱ در سایر نظام های کیفری

جرم انگاری فرایندی است که به موجب آن قانون گذار با در نظر گرفتن نهجها و ارزش های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می کند.

نماد مداخله حقوق جزا، جرم است. به عبارت دیگر قانون گذار کیفری با جرم انگاری یک رفتار به حقوق کیفری اجازه مداخله در آن رفتار را می دهد همانطور که قبلا ذکر گردید جرم انگاری فرایندی است که به موجب آن قانون گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش های اساسی جامعه و با تکیه بر مبنای نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می کند (۳). بدون تردید جرم انگاری از پیچیده ترین مواد قانون گذاری است. از این جهت باید طبق اصول و مبنای حقوق جزا باشد.

در قلمرو مداخله حقوق کیفری اتفاق نظر وجود ندارد. به طور کلی دولت ها برای استفاده از حقوق کیفری و مداخله در رفتارها و امور افراد جامعه یکی از سه معیار زیر را مورد توجه قرار می دهند.

۱. اصل ضرر^۱: به عبارتی جلوگیری از ایراد ضرر و صدمه به جامعه و افراد جامعه.

۲. اصل پدرسالاری حقوقی^۲ یا به عبارتی حمایت از افراد در برابر خودشان باز داشتن افراد جامعه از ایراد صدمه و ضرر به خود.

۳. اصل اخلاق گرایی حقوقی^۳ یا به عبارتی حمایت از اخلاق و مذهب و جلوگیری از ایراد آسیب به اخلاق یا مذهب.

۱- اصل ضرر

قاعده یا اصل ضرر به معنی نهی ضرر به دیگران در همه نظام های حقوقی پذیرفته شده است همچنین مورد تایید همه دانشمندان و همچنین علما در علم حقوق است. منظور از اصل ضرر این است که جامعه و دولت می توانند در امور شخصی و زندگی مردم دخالت کنند و می توانند در مورد دیگران از اجبار استفاده کند البته زمانی با مداخله آن جلوی آسیب و ورود ضرر به دیگران گرفته شود. اصل ضرر به می گوید تنها زمانی فرد حق دارد در مورد دیگران اجبار بکار برد که بتواند ثابت کند عملی را که میخواهد جلوی وقوع آن را بگیرد آسیب و صدمه ای به کسی می رساند.

دخالت تنها هنگامی پذیرفته است و در حقوق کیفری^۵ و مشروع است که جلوگیری از آسیب ضرر به دیگران باشد.

در ادبیات مکتب لیبرال - به ویژه به سود انگاری این اصل در زمینه نظریه حقوق کیفری (۴). بنابراین اگر ضرورت ناشی همزیستی مسالمت آمیز وجود نداشته باشد، وضع قوانین جزایی محدودیتی ناروا خواهد بود و مهم ترین راه برای سنجش لزوم قوانین کیفری، تطبیق آن با واقعیت های جامعه و نیاز آن است.

اصل ضرورت به چیزی بیش از نیاز به جرم انگاری اشاره می کند و آن این که "نباید جرم انگاری کرد، مگر این که دخالت، ضرورت داشته باشد و همچنین این دخالت بر اساس مبنای و اصول بوده و همچنین موثر باشد" (۵).

۲- اصل پدرسالاری حقوقی

«پدرسالاری» از کلمه «پدر» مشتق می شود که به معنای «مثل یک پدر رفتار کردن» یا «با شخص دیگری مثل یک بچه رفتار نمودن» است. دایره المعارف راتلج نیز چنین گفته است: اگر شخصی با فرد بزرگسالی

چنان رفتار کند که گویی پدر با کودکش رفتار می کند، در نظام حقوق کیفری مبتنی بر تئوری حمایت گرایی و پدرسالاری قانونی، می توان رفتاری که به دیگری ضرری وارد نمی کند و بلکه فقط به خود فرد ضرر می رساند را جرم انگاری کرد. از طرف دیگر، وارد کردن ضرر به دیگری می تواند مبنایی برای دخالت باشد و آنچه در این تئوری مورد توجه است، حمایت از فرد و جامعه است. مبنای تئوری حمایت گرایی و پدرسالاری بر این فرض مبتنی است که دولت، چون پدری مشفق باید در راستای تحقق خیر و سعادت افراد جامعه، در برخی از اعمال دخالت کرده و مانع آن رفتار شده یا انجام آن تلاش برای اجبار مردم به انجام رفتاری است که برای آنان نفعی را بخواهد. پدرسالاری در برداشته و منع آنان از انجام رفتاری است که به آنان ضرر وارد می کند. اشتباهی که به طور معمول اتفاق می افتد، ارتباط دادن پدرسالاری با استفاده ی از ابزارهای اجبارآمیز است؛ در حالی که پدرسالاری همچنین می تواند از خلال محدود کردن اطلاعات، تغییر در برخی وضعیت ها و غیر آن باشد؛ یا این که دولت برای انجام یا عدم انجام آن رفتار تشویق - هایی را در نظر بگیرد تا رفتار مورد نظر دولت را که و مردم را تشویق و تحریک نماید ظاهرا مبتنی بر مصلحت و رفاه و خوبی آنان است، انجام دهند (۶).

۳- اخلاق گرایی حقوقی

بر اساس این تئوری، صرف غیر اخلاقی بودن عمل، می - تواند مبنای دخالت کیفری باشد. بر مبنای این تئوری، ایجاد صدمه در آرامش عمومی، در نقض قواعد اخلاقی و عدم پایبندی به ارزش های اخلاقی نمود می یابد. در راستای توجیه جرم انگاری با تکیه بر پاسداشت اصول استانداردهای رفتاری و اصول اخلاقی معینی وجود دارد که « اخلاقی جامعه بیان می شود نیاز است برای حمایت از جامعه، رعایت شوند و نقض آن ها، فقط یک گناه و جرم علیه شخص نبوده، بلکه علیه جامعه به عنوان یک کل است که ارزش های اخلاقی را در فرد پرورش می دهد، این امر به نوعی حمایت از ارزش هایی است که افراد به آن باور دارند. اگرچه میان اخلاق گرایان در مورد مبنای اخلاق در این که آیا ملاک، اخلاق متعارف است یا این که اخلاق عالیه مورد نظر است، اختلاف نظر وجود دارد، اما در این موضوع تفاهم آشکار است که حقوق کیفری آن گونه که ما می شناسیم، مبتنی بر یک اصل است که اخلاقی است و در تعدادی از جرایم، کارکرد حقوق کیفری تنها اجرای یک اصل اخلاقی است و اعمالی را منع کند که از نظر اخلاق جامعه، قابل سرزنش هستند (۷). یکی از نظریه پردازان و حقوق دانان که «اخلاق گرایی حقوقی» را مورد تبیین قرار داده، و آن را به عنوان یک مبنای برای مداخله حقوق کیفری پذیرفته، پاتریک دولین است. وی در سال ۱۹۵۸ در یک سخنرانی به این تفکر لیبرالیستی که «یک حریم خصوصی اخلاقی و غیراخلاقی وجود دارد که مربوط به قانون نیست» (۸) حمله برد و آن را رد کرد. به عقیده وی «هیچ محدودیت نظری برای حقوق علیه امور اخلاقی وجود ندارد» وی با رد کامل «اصل ضرر» اعلام نمود که تفسیر امور اخلاقی به حوزه خصوصی

۱: اصل اباحه^۶

مطابق اصل اباحه، اعمال ممنوعه و حرام به وسیله ی شارع بیان شده اند. چنان چه ممنوعیت رفتاری از سوی شارع اعلام نشده باشد و یا مجازات فعل یا ترک فعل یا قابلیت مجازات آن بیان نشده باشد، نمی توان چنین رفتاری را جرم انگاشت، در این موارد اصل اباحه است و هیچ رفتاری حرام نیست و هیچ فعلی واجب نمی باشد مگر آن که بر حرمت یا وجوب آن دلیلی از منابع شریعت وجود داشته باشد. و در صورتی که دلیلی محقق نباشد، باید آن رفتار را مباح و جایز فرض نمود. از این رو، جرم انگاری رفتارهای مباح و مجاز، به وسیله قانون گذار خلاف اصل است. بلکه مجازات به خاطر رفتار مجاز حرام است؛ زیرا بر پایه ی اصول اسلامی مقتضای اصل، حرمت حبس، حرمت اخذ مال بدون رضایت و سایر اقدامات مشابهی است که به مثابه ی مجازات، تعیین و اعلام می شوند.

۲- اصل عدم ولایت^۷

ولایت یکی از امور "مجعول" است و چون جعل ولایت نسبت به اشخاص، مسبوق به عدم است، لذا به اقتضای استصحاب، حکم به عدم ولایت می شود مگر آن که ولایت برای شخص خاصی به اثبات رسد جریان استصحاب عدم درباره ولایت، در فقه کاربرد فراوانی دارد.

مبنای دیگر اصل عدم ولایت، توحید می باشد. براساس اعتقاد به توحید، نه تنها خالقیت تنها از آن خداست، بلکه ولایت نیز به او اختصاص دارد: "قل اللهم مالکالمملک" او "ملک الناس" است و هیچ کس جز او، سزاوار حکم کردن نیست: "ان الحکم الله". از این رو هر گونه تصرف و دخالت در نظام هستی، به "اذن" او احتیاج دارد و هیچکس از پیش خود، حق دخالت در سرنوشت انسان ها را ندارد در این تحلیل، اصل عدم ولایت از فروع توحید است؛ در آن، سلطنت مخلوقات بر یکدیگر نفی می شود.

یکی دیگر از مبانی اصل عدم ولایت، بر آزادی بشر مبتنی است. بر اساس این مبنا، چون انسان ها آزاد آفریده شده اند و هر کس سرنوشت خود را به دست دارد، از این رو هر گونه سلطه بر دیگران، ظلم و تعدی در حق آنان است. مقتضای اصل عدم ولایت کسی بر دیگری، عدم جواز جرم انگاری و اقدام افراد به مجازات دیگران است؛ چرا که جرم انگاری مستلزم اعمال مجازات بر دیگران و در نتیجه اعمال نوعی تصرف و ولایت در شئون آنان میباشد؛ از این رو جرم انگاری و اعمال مجازات به توجیه و مجوز نیاز دارد.

د- معیارها و ضوابط جرم انگاری در شرع و قوانین عادی

از آنجایی که قانون مجازات اسلامی ترکیبی از قوانینی است که دارای زمینه شرعی است در مبحث جرم انگاری در حقوق ایران باید به ضوابط اسلامی و همچنین قانون اساسی توجه داشت که در این مجال به تفکیک بررسی شدند.

۱. معیارهای شرعی جرم انگاری^۸

و عمومی صحیح نیست و وظیفه قانون اجرای اخلاق و برقراری نظم اخلاقی است به گونه ای که نظم عمومی و اداره بی دردسر جامعه تأمین شود. به عقیده دولین چشم پوشی کردن از این اصول بنیادین یعنی اخلاق گرای حقوقی، مخاطره آمیز است. چون حمله جدی به اخلاق، شامل حمله به جامعه نیز می شود که بایستی حق استفاده از حقوق کیفری را در جهت پاسداری از منافعش برای خود نگاه دارد. او استدلال می کند که حقوق بایستی کم کم و با تحمل و تسامح بیشتری برای اجرای اخلاق به کار رود.

هدف اصلی دولین از مطرح کردن اخلاق گرای حقوقی، استدلال او بر حق همیشگی جامعه در وضع حکم اخلاقی برای شهروندان و حق استفاده از حقوق کیفری برای اجرای این حکم بود. در واقع استدلال او این است که جامعه، شایستگی این را دارد تا درباره هر یک از فعالیت های عمومی یا خصوصی شهروندان داوری کند جامعه، براساس تعریف او، مجموعه ای از باورهای سیاسی و اخلاقی می باشد. این، دلالت بر این دارد که جامعه مجموعه ای فراتر از افراد ساکن در یک سرزمین است.

ب: اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها در نظام قانونی ایران

این اصل که اعمال مجرمانه فقط باید توسط مقنن تعریف شده باشد در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ رعایت شده و در ماده ۲ ذکر گردیده بود: «هیچ عملی را نمی توان جرم دانست مگر آنچه که به موجب قانون جرم شناخته شده باشد». مطابق قانون قابل مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد جرم محسوب است و هیچ امری را نمی توان جرم دانست مگر آن که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده باشد.

در سال ۱۳۵۲ قانون مجازات عمومی اصلاح شد و در ماده ۲ همین قانون، اصل قانونی بودن جرایم به نحو زیر تغییر یافت: «هر فعل یا ترک فعلی که مراجع قانون گذاری جمهوری اسلامی ایران از ضوابط و قواعد شریعت اسلام پیروی و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها را در قانون اساسی و قوانین عادی مبنای سیاست کیفری خود قرار داده اند.

پس از پیروزی انقلاب قانون گذار ایران در ماده ی ۲ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، همان متن ماده ی ۲ قانون جزای عمومی ۱۳۵۲ را تصویر برداری نمود تا اینکه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، ماده ی مذکور به نحو زیر تدوین گردید: «هر فعل، یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود». لازم به ذکر است اصل قانونی بودن مجازات ها نیز با تصویب ماده ی ۱۱ آن قانون با این عنوان که «در مقررات و نظامات دولتی، مجازات و اقدامات تأمینی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد» بیان شده است (۹).

ج- اصول و محدودیت های شرعی در جرم انگاری

محدودیت هایی که در شرع برای جرم انگاری مشخص شده است تحت دو عنوان بررسی می شود

شورای اسلامی در وضع مقررات کیفری و جرم انگاری بدون در نظر گرفتن اصول و محدودت ها نیست بلکه تابع محدودیت‌های مقرر در قانون اساسی می‌باشد.

و - میزان تاثیر اخلاق^{۱۱} در جرم انگار ایران

ارتباط حقوق و اخلاق و نقش اخلاق در تغییر قواعد حقوقی همواره جزء مهم ترین دغدغه های فلاسفه- ی حقوق و همچنین فلاسفه ی اخلاق بوده است. برخی به شدت تلاش کرده اند تا علم حقوق را از سایر ترکیبات نظیر اخلاق بپردازند (۱۲). جرم انگاری هیچ رفتاری نمی تواند بدون مبنا باشد؛ و چون در بخش تعزیرات برخلاف حدود، قصاص و دیات که به طور مستقیم از فقه گرفته شده؛ دست قانون گذار به منظور جرم قلمداد کردن برخی رفتارها بیشتر باز بوده از اخلاق و ارزش های اخلاقی جامعه حمایت کیفری گسترده ای کرده و رفتارهای خلاف اخلاق را جرم انگاری کرده است (۱۳). با توجه به اسلامی بودن قوانین ایران در قانون رفتارها به دو شکل جرم انگاری شده اند، در برخی موارد فعل مجرمانه و مجازات آن در منابع شرعی بیان شده است مانند: حدود، قصاص، دیات و در برخی دیگر تعیین جرم بودن یک رفتار و میزان مجازات آن و در برخی دیگر به اخلاقیات و با نظر گرفتن سایر اصول و مبانی که ذکر گردید جرم انگاری شده است مانند: تعزیرات و مجازات های باز دارنده بنابراین بسیاری از رفتارهای موجود در بخش تعزیرات و بازدارنده که توسط قانون گذار جرم انگاری شده است در راستای حمایت کیفری^{۱۲} از مبانی اخلاقی بوده است.

مجازات های بازدارنده^{۱۳}؛ در واقع بازدارندگی یکی از اوصاف اساسی هر نوع مجازاتی است و نمی توان آن را متعلق به مجازات خاصی دانست (14). میزان زیادی از جرایم که در این حوزه توسط قانون گذار جرم انگاری شده است ریشه در اخلاق دارد و قانون گذار ایران با هدف جرم انگاری در این راستا جرم انگاری کردن این رفتارها در راستای حمایت کیفری از اخلاق می داند. حقوق دانان معتقدند که نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می- شود (۱۵) برخی دیگر، هر فعل یا ترک فعلی را که نظم، صلح و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد، جرم می‌دانند (۱۶). بصورت کلی جرم انگاری فرایندی است که به موجب آن قانون گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند (۱۷). بر این اساس، جرم انگاری امری پسینی و مبتنی بر علوم زیر ساختی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است (۱۸) رفتارهای انسان همانند مبانی نظم اجتماعی در هر زمان و مکان دستخوش دگرگونی است و مبارزه علیه جرم باید همسو با این دگرگونی ها، صورت گرفته و شیوه ها و هدف های خود را تطبیق دهد. بنابراین، تحول واکتس جنایی علیه پدیده جنایی، واقعیتی انکارناپذیر است (۱۹).

احکام اسلام تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند و ارتکاب حرام و ترک واجب در اسلام جرم محسوب می‌شوند. فقها، معیارهای جرم انگاری در اسلام را در قالب پنج مصلحت دین، جان، عقل، ناموس و نسل و اموال مردم مطرح نموده اند و این پنج مصلحت را از اهداف تحریم و ممنوعیت اعمال دانسته اند و بر همین اساس، هر عملی که به یکی از این مصلحت ها آسیب رساند جرم محسوب می‌گردد؛ از این رو، زنا و اعمال منافی عفت به دلیل حفظ و بقای نسل و ناموس؛ قتل به دلیل تعرض به جان؛ سرقت و امثال آن به دلیل تعرض به مال مردم؛ شرب خمر و سایر مسکرات به دلیل مخدوش ساختن عقل و هوش انسان ها و بالاخره ارتداد به دلیل تعرض به حریم عقیده و مکتب و هرج و مرج در اعتقادات افراد جرم به حساب می‌آید. اصل کلی در نظام کیفری اسلام این است که اجرای تعزیر (مجازات) جز دربارہ معصیت، یعنی عملی که به ذاته و به وسیله نص تحریم شده، ممکن نیست؛ ولی در صورتی که مصلحت عمومی ایجاب کند، اسلام اجرای تعزیر را در مواردی که نصی بر تحریم آن به ذاته وارد نشده جایز می‌شمارد در واقع، در نظام کیفری اسلام بر خلاف حرام انگاری، «جرم انگاری مقوله ای حکومتی است با هدف حفظ و تأمین مصالح عمده و نظم عمومی و دفع مفاسد مهم فردی و اجتماعی که می‌تواند قلمرو محدودی از رفتارها را در حد «ضرورت» در برگیرد» (۱۱).

۲. معیارها و ضوابط جرم انگاری در قانون اساسی^۹

منظور از معیارهای عام، معیارهایی است که قانون گذار اساسی آنها را بر کلیه حقوق و آزادی ها حاکم کرده است. این معیارها در دو اصل ۹ و ۴۰ مورد بحث است.

براساس اصل نهم قانون اساسی «... هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند». اصل یاد شده به بهترین نحو ممکن حقوق و آزادی های فردی را محترم شمرده و اصل را بر مصونیت این حقوق قرار داده و حتی تعرض به این حقوق توسط مقررات گذاری و قانون گذاری را منع نموده است و براساس اصل یاد شده تنها مجوز ایجاد محدودیت در حقوق و آزادی های مشروع، جلوگیری از ورود خدشه به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران است و تنها در این صورت است که می‌توان در حوزه حقوق و آزادی های فردی مداخله کرد. بنابراین می‌توان گفت که با توجه به اصل نهم، مجلس شورای اسلامی در صورت اثبات ضرورت اعمال محدودیت در مواردی می‌تواند اقدام به جرم انگاری در حوزه حقوق و آزادی های فردی نماید. همچنین در اصل چهلم قانون اساسی به صراحت بیان گردیده است.

۵- معیار و ضوابط جرم انگاری در قوانین عادی^{۱۰}

قانون گذار اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۷۱ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی را مکلف به قانون گذاری «در حدود مقرر در قانون اساسی» نموده است؛ با توجه به اصل یاد شده، اختیار مجلس

در نتیجه مهمترین کارکرد جرم انگاری دستورگرا^{۱۵}، ایجاد توازن بین حقوق و آزادی‌های فردی و مصلحت عمومی است و نقش شورای نگهبان در این خصوص بسیار پر رنگ و تعیین کننده است.

ملاحظه‌های اخلاقی

در مقاله حاضر اصل اخلاقی، با معرفی منابع مورد استفاده امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Criminalization	جرم انگاری
2. The principle of detriment	اصل ضرر
3. The principle of law ful patriarchy	اصل پدر سالاری حقوقی
4. judicial Ethicsism	اخلاق گرایی حقوقی
5. Criminal Justice	حقوق کیفری
6. The principle of permission and authorization	اصل باحه
7. The principle of No-guardnership over others	اصل عدم ولایت
8. Criminology	جرم انگاری
9. Constitution	قانون اساسی
10. Normal rules	قوانین عادی
11. Ethics	اخلاق
12. Criminal Support	حمایت کیفری
13. Deterrent punishment	مجازات های بازدارنده
14. Criminal phenomenon	پدیده مجرمانه
15. Constitutional crimes	جرم انگاری دستورگرا

References

- Boushehri J. (2000). Criminal law, (the principle and problems), Tehran: Public Co. (In Persian).
- Najafi Tavana A, Mostafazadeh F. (2013). Criminalization in the criminal system of Islamic Republic of Iran. Journal of Studies Islamic Law & Jurisprudence; 5(8): 149-170.
- Aghababai H. (2006). Feghis dialogue and the criminalization in the field of the crimes against the nation and the state security. Law and Jurisprudence Magazine; 2 (5).
- Feinberg J. (1988). Harmless wrongdoing. Moral Limits of the Criminal Law;4.
- Feinberg J. (1984). The moral limits of the criminal law:Harm to Others. Available at: <https://www.oxfordscholarship.com/view/10.1093/0195046641.001.0001/acprof-9780195046649>. Accessed: 12 Jun 2015.
- Gray CB. (1999). The philosophy of law: An encyclopedia . UK: Routledge.
- Dworkin R. (1985). Taking rights seriously. London: Duckworth

نتیجه گیری

جرم انگاری از موضوعات مورد مطالعه در حوزه حقوق کیفری ماهوی است که اعمال افعال و ترک افعال کیفری در بردارنده مجازات را مشخص می کند همانطور که توضیح داده شد و همچنین اصل ۷۱ قانون اساسی، اختیار مجلس شورای اسلامی در وضع مقررات کیفری و جرم انگاری بی حد و حصر نیست بلکه تابع محدودیت‌های مقرر در قانون اساسی است. همچنین با توجه به اصل چهارم قانون اساسی، یکی دیگر از محدودیت‌های مجلس شورای اسلامی در جرم انگاری، محدودت های شرعی است. بر همین اساس، قانون گذار اساسی در اصل ۷۲ مقرر نموده: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد...». با توجه به اصل یادشده و نیز اصل ۷۱ قانون اساسی، شورای نگهبان در بررسی قوانین کیفری باید این مهم را مورد توجه قرار دهد که مجلس شورای اسلامی در حدود اصول مقرر در قانون اساسی و شرع اقدام به جرم‌انگاری نموده است و در صورتی که تشخیص دهد اقدام مجلس شورای اسلامی در جرم‌انگاری رفتارها در حدود مقرر در قانون اساسی نبوده، از تأیید آن خودداری نماید. همچنین علاوه بر رعایت محدودیت‌های شرعی در جرم انگاری توسط مجلس شورای اسلامی، لازم است که این امر با توجه به معیارهای عام مقرر در اصول نهم و چهلم قانون اساسی صورت گیرد. براساس اصول یاد شده تنها مجوز ایجاد محدودیت در حقوق و آزادی‌های مشروع، جلوگیری از ورود خدشه به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران و نیز جلوگیری از اضرار به غیر و تجاوز به منافع عمومی است و تنها در این موارد است که می توان در حوزه حقوق و آزادی‌های فردی مداخله کرد. همچنین قانون گذار اساسی معیارهایی را در اصول ۲۴، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ به عنوان محدودیت‌های مشروع توسط قانون گذار عادی بر برخی از حقوق و آزادی‌های فردی وضع کرده است. بر این اساس به این نتیجه خواهیم رسید که حقوق و آزادی های شخصی اشخاص به هیچ عنوان محدود نمی شود مگر اینکه قبلا با توجه به قانون اساسی یا موازین شرعی محدود شده باشد. در مورد مفهوم پدیده ی مجرمانه^{۱۴} و نسبت آن با اخلاق می توان گفت هر چند بهترین تعریف از جرم، در نسبت به کنش های مخالف نظم اجتماعی انجام می شود اما با نگاه دقیق تری می توان گفت همین مفهوم نظم اجتماعی بی تردید بدون توجه به گرایش های اخلاقی یک جامعه قابل اشاره نیست. در مورد رابطه ی حقوق و اخلاق نتیجه گرفتیم آنجا که از عرف و مذهب به عنوان منابع حقوق صحبت به میان می آید از آن جهت که این دو خود آمیخته با اخلاقیات است، می توان از رابطه ی حقوق و اخلاق سخن گفت و همچنین است آنجا که قواعد حقوقی تنها از منابع مقدس و گزاره های دینی استخراج می شوند. و می توان گفت قانون گذار ایران به حرمت های مذهبی و اخلاقی جرم ها بر ضد حیثیت و شرافت انسانی توجه دارد.

14. Hassanpoor A, Abasi T, Hadipour A. (2017). Identifying and prioritizing methods of ethics institutionalization within organization. *Ethics in Science & Technology*; 12(1): 17-23. (In Persian).
15. Moore M. (2017). *Placing blame*. Oxford: Oxford University Press: 23-30.
16. Law Commission Of Canada. (2004). *what is a crime? Defining criminal conduct in contemporary Society*. Canada: USB Press. 1-33.
17. Salman L. (2008). *As criteria criminalization*, Yogyakarta: Indonesia Islam University Press.
18. Jareborg N. (2018). *What kind of criminal law do we want?* *Scandinavian Studies In Criminology*; 14.
19. Ardabili MA. (2018). *General Penal Law*. Tehran: Publishing Sadaf .
8. Self HJ. (2004). *Prostitution, women and misuse of the law: the fallen daughters of Eve*. UK: Routledge.
9. Shambayati A. (2008). *General criminal law*. Available at: <https://www.sys.law/en/practice/specialties/general-criminal-law/>. Accessed: 12 may 2015.
10. Katz L, Moore MS, Morse SJ. (1999). *Foundations of criminal law*. UK: Oxford University Press.
11. Salehi Amiri SR, Karimi Khozani A. (2007). *Role of social ethics on public & social secure*. *Ethics in Science & Technology*; 11(1): 11-18. (In Persian).
12. Tabrizi SJ. (2009). *Ershad Al taleb*. Qom: Daral Sedighat Al Shahid.
13. Atrak H. (2010). *Ethical deontology*. *Ethics in Science & Technology*; 5(1): 27-35. (In Persian).